Archive of SID.ir

Library and Information Sciences

Print ISSN: 1680-9637
Online ISSN: 5977-2676

The Frameworks of Jurisprudential Rules in Legal Review of Voluntary Activities in Iran Libraries

Davoud Nojavan
*Corresponding author, Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. E-mail: d.nojavan@azaruniv.ac.ir.

Reza Akbarnejad
Assistant Professor, Department of Knowledge and Information Science, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. E-mail: akbarnejad.reza@gmail.com.

Abulfazl Nojavan
M.A. Student, Private Law, Tabriz University, Tabriz, Iran. E-mail: abolfazl.nojavan.1379@gmail.com.

Abstract

Objective: In spite that Iran's law has undergone changes throughout the history, its connection with jurisprudence is as strong as in the past, as it refers to jurisprudential rules in searching and processing legal rules. Due to the fact that voluntary activities in libraries are new topics, therefore, in the legal examination of it, the mentioned rules will definitely be referred to, but how to apply these rules in legal examinations in general and in the examination of voluntary activities in libraries in particular, has not been studied so far. The present research tries to show that jurisprudence rules can be used in legal examination only with a certain framework.

Methodology: The required data was collected using the library method and analysis with jurisprudential and legal logic and balanced use of rational perceptions. The scope of legal studies is limited to Iranian law and the scope of jurisprudence studies is limited to Imami jurisprudence.

Findings: The activity of the "rule of beneficence", was concluded that voluntarily activities in libraries means that a person who undertakes such an activity cannot be blamed for the results of these activities, since his work is beneficial. The "rules of action" indicates that since the person has denied the right of receiving salary with his own will, the library will not be responsible for the denial of salary entitlement.

Conclusion: Application of the two mentioned rules in the legal review is not absolute and includes religious and rational framework. Its religious framework is derived from the relevant rational that if these two rules cause harm, they are not attributed to the religious legislator. The rational framework is the result of rational perception that does not allow the application of these two rules to have unfair results. Therefore, it cannot be considered responsible for a person conducting voluntary activity in one hand and the library organization on the other hand in the legal review of voluntary activity in Iranian libraries, referring to the above jurisprudential rules. The lack of a framework for jurisprudential rules in their legal use, especially in new matters such

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

as voluntary activities in Iranian libraries, causes their implementation without any restrictions, while this application and lack of restrictions may not be intended by the Sharia and customary legislators. It is not intended by the parties for voluntary activities in libraries and may cause violation of Sharia, moral, human and rational principles. If the mentioned framework is taken into consideration, we will not have any shari'a and moral inconsistency in the use of jurisprudential rules in legal review**.** Iranian law researchers believe that all dimensions of jurisprudential rules are predetermined and no longer require research. But the fact that, this is not the case, and an important matter such as how to use them and their frameworks has not been researched so far. The present research is the first research regarding the application of jurisprudential rules in Iran's legal reviews and the legal review of voluntary activities in Iranian libraries. Therefore, the continuation of research in this direction is strongly suggested.

Keywords: voluntary activities, libraries, jurisprudential rules, legal rules, Sharia and Rational framework

Article type: Research

How to cite:
Nojavan, D., Akbarnejad, R., & Nojavan, A. (2023). The Frameworks of Jurisprudential Rules in Legal Review of Voluntary Activities in Iran Libraries. *Library and Information Sciences*, 26(4), 149-170.

A R T I C L E I N F O

Article history:
Received: 10/10/2022 Received in revised form: 11/11/2022
Accepted: 27/11/2022 Available online: 17/03/2024

Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi
Library and Information Sciences, 2023, Vol. 26, No. 4, pp. 149-170.

© The author(s)



Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کتابداری و اطلاع رسانی

شاپا چاپی: ۹۶۳۷-۱۶۸۰
شاپا الکترونیکی: ۲۶۷۶-۵۹۷۷

چارچوب‌های قواعد فقهی در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران

داود نوجوان
*نویسنده مسئول، استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: d.nojavan@azaruniv.ac.ir

رضا اکبرنژاد
استادیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: akbarnejad.reza@gmail.com

ابوالفضل نوجوان
دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: abolfazl.nojavan.1379@gmail.com

چکیده

هدف: جستار حاضر با هدف کنکاش چگونگی کاربست قواعد فقهی در بررسی‌های حقوقی (به طور کلی) و در بررسی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها (به طور ویژه)، به دنبال این است که نشان دهد قواعد فقهی را تنها با چارچوب خاصی می‌توان در این راستا مورد بهره‌برداری قرار داد.

روش پژوهش: اطلاعات لازم با اســـتفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری و با منطق فقهی و حقوقی و بهره‌گیری متعادلی از ادراکات عقلی، مورد تحلیل قرار گرفته است. دامنه مطالعات حقوقی، محدود به حقوق ایران و دامنه مطالعات فقهی، محدود به فقه امامیه است.

یافته‌ها: «قاعده احسان» در باب فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها، گویای این است که فردی که به چنین فعالیتی مبادرت می‌کند، به دلیل این که کارش محسنانه (خیرخواهانه) است، قابل مؤاخذه نیست. «قاعده اقدام» نیز بیانگر این است که چون وی بااراده خود استحقاق دستمزد را زایل کرده، کتابخانه مسئولیتی در باب آن نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری: امکان کاربست دو قاعده فوق، مطلق نبوده و دارای دو چارچوب «شرعی» و «عقلی» است، چارچوب شرعی آن برگرفته از ادله روایی مربوطه است که به موجب آن، اگر کاربست این دو قاعده موجب ضرر شود، آن منتسب به قانون‌گذار شرعی نیست. چارچوب عقلانی آن نیز محصول ادراکات عقلانی است که اجازه نمی‌دهد تطبیق این دو قاعده، نتیجه غیرعادلانه‌ای در برداشته باشد. بنابراین، نمی‌توان در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران با استناد به قواعد فقهی مذکور، به شکل مطلق مسئولیتی برای فاعل فعالیت‌های داوطلبانه از یک‌سو و نهاد کتابخانه از سوی دیگر، قائل نشد.

کلیدواژه‌ها: فعالیت‌های داوطلبانه، کتابخانه‌ها، قواعد فقهی، قواعد حقوقی، چارچوب شرعی و عقلی

نوع مقاله: پژوهشی

استناد:
نوجوان، داود؛ اکبرنژاد، رضا؛ نوجوان، ابوالفضل (۱۴۰۲). چارچوب‌های قواعد فقهی در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۶(۴)، ۱۴۹-۱۷۰.

تاریخچه مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۸ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۲، دوره ۲۶، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۰۴، صص. ۱۴۹-۱۷۰.

© نویسندگان

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

خدمات رایگان مردمان در طول تاریخ، بسته به شرایط زمان و مکان، در قالب اشکال مختلف، خود را در جامعه نشـان داده اسـت. یکی از گونه‌های نوین آن، «فعالیت‌های داوطلبانه»[1] اسـت. این فعالیت‌ها اشـاره به طیف گسترده‌ای از فعالیت‌هایی دارد که دست‌کم دارای سه ویژگی اصلی و اساسی است: (۱) هدف اصلی آن کسب سود مالی نیست، هرچند ممکن است پاداشی برای داوطلب به همراه داشته باشد که آن هم در غالب موارد، پاداشـی معنوی اسـت؛ (۲) آزادانه و بدون هرگونه اجباری انجام می‌گیرند؛ (۳) سـودهای متعددی برای جامعه دارد. بر اساس گزارش‌هایی که مدیر «مؤسسه پژوهش فعالیت‌های داوطلبانه لندن»[2] در خصوص انواع مختلف سـودهای فعالیت‌های داوطلبانه ارائه داده اسـت، در بریتانیا، فعالیت‌های داوطلبانه حدود چهل میلیارد پوند به اقتصاد جامعه کمک کرده است. در کانادا، ارزش اقتصادی این فعالیت‌ها به شانزده میلیارد دلار رسیده است. همچنین بر اساس یک مطالعه تطبیقی، مدت زمانی که داوطلبان صرف فعالیت‌های داوطلبانه می‌کنند، معادل کار ده و نیم میلیون شاغل تمام وقت است و بر اساس مطالعه‌ای که در اروپا انجام شده، تخمین زده شده که هر یک دلار سرمایه‌گذاری در مورد گسترش ابعاد مختلف فعالیت‌های داوطلبانه، هشت دلار سود بر می‌گرداند. علاوه بر توجیه اقتصادی، این فعالیت‌ها دارای فواید دیگری نیز است. چنان که برخی مطالعات نشان می‌دهد، در جامعه‌ای که فعالیت‌های داوطلبانه موجب غنای سـرمایه اجماعی می‌شـود،[3] به طور معمول بزه‌کاری، ترک تحصـیل و درگیری‌های نژادی کمتر می‌شـود. علاوه بر کمک به سـلامت جامعه، این فعالیت‌ها در راسـتای دموکراتیک شدن جامعه است (اسمیت، ۱۳۸۰، ص. ۲۰-۲۱).

مفید بودن فعالیت‌های داوطلبانه برای جامعه، به معنی مفید نبودن آن برای داوطلب نیست، بلکه وی نیز به اشـکال مختلف از ارائه فعالیت داوطلبانه نفع می‌برد. چنان که موجب آموختن مهارت‌های جدید و یافتن دیدگاه‌های متفاوت در مورد زندگی می‌شـود. افراد و به ویژه معلولانی که دچار انزوای اجتماعی هسـتند را از انفعال خارج می‌کند. به جوانان فرصت رشد و ریسک‌پذیری داده و زمینه‌های ایفای نقش شـهروندی را برای آنان فراهم می‌سازد. کهن‌سالان را نیز در راستای سالخوردگی فعال کمک می‌کند. حتی برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌های داوطلبانه برای سـلامتی مفید اسـت؛ بنابراین فعالیت داوطلبانه، یک موقعیت برنده - برنده را ایجاد می‌کند که در آن، هم داوطلب و هم جامعه سـود می‌برند. با وجود این، هنوز محدودیت‌هایی بر سـر راه مشـارکت نیروهای داوطلب در برخی از کشـورها باقی مانده اسـت. چنان‌که در برخی کشـورها، آزادی

1. Voluntary activities

۲. جاستین دیویس اسمیت

3. See: Walters, 2002, p. 379 & Freitag, 2003, p. 937.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تشکیل انجمن وجود نداشته و قوانین، مانع مشارکت داوطلبین است. این در حالی است که برخی از کشورها با ایجاد امکانات قانونی، مالی و سازمانی، فرصت داوطلب شدن را برای مردم فراهم کرده و موانع داوطلب شدن را از مقابل مردم برداشته‌اند. در این راستا، هند تصمیم گرفته است که همه قوانین جدید را برای به حداکثر رساندن اثر خود بر فعالیت‌های داوطلبانه مورد موشکافی قرار داده و تقویت کند (همان).

جایگاه فعالیت‌های داوطلبانه در ایران نیز از منظر وجود موانعی که ممکن است داشته باشد، قابل بررسی است. از جمله این که فعالین داوطلب به طور معمول در قالب NGO[1]ها یا سمن‌ها،[2] سازمان‌دهی می‌شوند.[3] در این صورت، فعالیت‌های آنان نظام‌مند شده و با به رسمیت شناخته‌شدن، چه از منظر حقوقی و چه از دیگر منظرها، موانع مختلفی از سر راهشان برداشته شده و از مزایای شخصیت حقوقی بهره‌مند می‌گردند تا فعالیت داوطلبانه آنان آسان‌تر گردد. این در حالی است که در مقایسه با دیگر کشورها (مثل فرانسه)، قوانین ایران در خصوص این سازمان‌های مردم‌نهاد، سخت‌گیری بیشتری دارد. این سخت‌گیری‌ها هم شامل مرحله تشکیل و هم شامل فرایند فعالیت می‌شود. این در صورتی است که تسهیل شرایط تأسیس و فعالیت آن‌ها، نشانه‌ای بر توجه به حضور و مشارکت مردم است که گویای گذر از حاکمیت به سوی «حکمرانی خوب»[4] است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۴، ص. ۵۶۵-۵۶۴). یکی از مهمترین عوامل رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی و سیاسی یک جامعه، حضور فعال مردم در فعالیت‌های آن است. بدون حضور و مشارکت آنان، توسعه مفهومی نخواهد داشت. اما مطالعات سازمان ملل متحد، از توسعه اندک و ناموفق مشارکت‌های مردمی در کشورهای در حال توسعه حکایت دارد (عبدی و عباس‌نیا، ۱۳۹۵، ص. ۱۶-۱۷).

به‌عنوان نمونه نتیجه یک پژوهش نشان می‌دهد، با وجود عدم موفقیت نهادهای رسمی دولتی در پیشگیری از وقوع جرم و اهمیت نقش و حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در این زمینه، در ایران سمن‌ها در قالب فعالیت داوطلبانه حضور فعال در پیشگیری از وقوع جرم ندارند، زیرا امکان ورود به این عرصه را ندارند (افضلی و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۵۸۸). این در حالی است که هر چه تنوع و گستردگی این نهادها از حیث موضوع و تعداد، بیشتر باشد، فعال‌تر و مؤثرتر خواهند بود (روحانی یزدلی، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۹). نبود قاعده حقوقی مناسب حتی در راستای عدم موفقیت سمن‌های حامی حقوق بیماران که در جامعه ما حضور بیشتری دارند، مورد

1. Non Govermental Organization

۲. مشخصه اصلی سازمان‌های مردم نهاد این است که با هدف جلب منفعت برای اعضای گروه خود تشکیل نشده، بلکه هدفشان کمک برای رسیدن به اهداف مرتبط با منافع جامعه و حقوق انسانی است (روحانی یزدلی، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۹).

۳. ماده یک آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد مصوب ۸۴/۵/۸ در تعریف سازمان‌های مردم نهاد به داوطلبانه بودن فعالیت آن‌ها اشاره و بیان داشته است: «سازمان غیردولتی که در این آئین‌نامه سازمان نامیده می‌شود، به تشکل‌هایی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی می‌باشد» (در این خصوص بنگرید به قربانیان و هراتیان نژادی، ۱۳۸۶، ص.۱۴).

4. Good Governance

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

توجه برخی از پژوهشگران قرار گرفته است (قربانیان و هراتیان نژادی، ۱۳۸۶، ص. ۳۴). بنابر مشکلاتی که فعالیت‌های داوطلبانه مرسوم و رایج در جامعه دارد، طبیعی است که فعالیت‌های داوطلبانه نوین‌تر همچون فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها، دارای مشکلات بیشتر بوده و ابعاد آن از جهات مختلف نیازمند پژوهش باشد.

کشورهای بسیاری، از ظرفیت نیروهای داوطلب برای ایجاد، تجهیز و توسعه کتابخانه به صورت شایسته استفاده می‌کنند. برای مثال ایالات متحده آمریکا قبل از سال ۱۹۳۰ میلادی، فعالیت‌های داوطلبانه خود در این زمینه را آغاز و موفق به برنامه‌های گسترده‌ای شده است. مهمترین فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های کشورهای مختلف، شامل مواردی همچون اهدای کتاب، کمک‌های مالی، برنامه‌های متنوع کتاب‌خوانی، برنامه تبادل کتاب، اهدا و امانت کتاب توسط کتابخانه‌های سیار، اجرای برنامه برای کودکان و نوجوانان همراه با کتاب، تهیه جعبه‌های مخصوص حمل کتاب، زیبا و شاداب‌سازی کتابخانه‌ها، تأمین مبلمان کتابخانه‌ها، نصب قفسه‌های دیوار آویز کتاب، آموزش کتابداران، جمع‌خوانی، برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی می‌شود. با وجود استفاده کشورهای مختلف از ظرفیت نیروهای داوطلب، کتابخانه‌های ایران بهره چندانی از این فعالیت‌ها نبرده‌اند. عوامل زیادی می‌تواند در عدم استفاده کتابخانه‌های ایران از داوطلبین دخیل باشد. فقدان قوانین و قواعد حقوقی مناسب و منسجم در زمینه عدم حضور داوطلبان در کتابخانه‌ها مطرح شده است. همچنین وجود مقررات سخت‌گیرانه کتابخانه‌ها از جمله موانع موجود در این زمینه است. فقدان قوانین پایدار در زمینه حضور داوطلبین در کتابخانه، ناشی از بی‌توجهی قانونگذار کشور به وجود قوانین جدی در استفاده از داوطلبین دانسته شده است، بنابراین توجه به قواعد حقوقی نوین در این راستا و به‌روز رسانی و تعدیل قوانین و مقررات موجود در راستای مشارکت داوطلبین در کتابخانه‌ها، مفید است (مرجانی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۹ و ۱۸ و ۲۳).

مقاله حاضر در راستای بررسی موانع حقوقی پیشرفت و گسترش فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران، این پرسش را به‌عنوان پرسش اصلی و اساسی خود، مورد پژوهش قرار داده است که «در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران، چگونه می‌توان از قواعد فقهی استفاده کرد تا حقوق مانع گسترش این فعالیت‌ها نگردد؟». فعالیت‌های داوطلبانه به ویژه در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد، قلب جامعه مدنی است (روحانی یزدلی، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۹) و از این رو حقوق باید در راستای حمایت از آن حرکت کند نه در راستای ایجاد مانع. در خصوص ابعاد حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه به طور عام و فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران به طور خاص، بررسی چگونگی کاربست قواعد فقهی، از این جهت دارای اهمیت است که هر چند حقوق ایران در طول تاریخ تحولاتی را از سر گذرانده، اما همانند گذشته ارتباطش با فقه محکم است و در مقام

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه نیز حتماً به این قواعد مراجعه خواهد کرد، چرا که آن از مقولات نوین، به ویژه در ایران است؛ بنابراین، لازم است در خصوص چگونگی تطبیق قواعد فقهی بر فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها، پژوهش مستقل و مجزایی انجام گیرد.

اهمیت پرداختن به این مسئله، تنها نوین بودن فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران نیست، بلکه نظام حقوقی ایران در استفاده از منابع مختلف، از جمله قواعد فقهی، مدل و سبک نظام‌مندی[1] نداشته و از این رو، روشن نیست که در یافتن و پردازش قواعد حقوقی، چگونه می‌توان از قواعد فقهی استفاده کرد. هر چند اهمیت پرداختن به این مسئله در خصوص موضوعات جدیدی همچون فعالیت‌های داوطلبانه دوچندان است. در این مقاله برای نشان‌دادن «چگونگی تطبیق قواعد فقهی در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها» به دو قاعده‌ای که در این‌خصوص قابل بررسی است، پرداخته شده است تا از این رهگذر، نقش شایسته قواعد فقهی در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها به طور ملموس نشان داده شود. این نقش را می‌توان نقش چارچوب‌بند (مقید/محدود) قواعد فقهی در بررسی‌های حقوقی (از جمله در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران)، نام نهاد.

پیشینه پژوهش

به دلیل ماهیت موضوع مورد بررسی و با توجه به این که مسئله مورد بحث برای اولین بار مطرح می‌شود، ابتدا موضوع را از سه منظر، پیشینه‌شناسی کرده و در ادامه پژوهش‌های مرتبط با موضوع نیز آورده می‌شود. «چگونگی کاربست قواعد فقهی در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران» را از سه منظر (مسئله محورانه/ موضوع‌محورانه و مصداق‌محورانه) می‌توان «پیشینه شناسی» کرد. با دید «مسئله‌محورانه» بی‌تردید مسئله‌ای که این عنوان ناظر بدان است، تاکنون به هیچ‌وجه مورد پژوهش قرار نگرفته است. اما اگر از منظر «موضوع محورانه» به این عنوان بنگریم، خواهیم دید که آن در ارتباط با دو موضوع زیر است:

موضوع اول) نقش هر یک از قواعد فقهی در پردازش قاعده فقهی دیگر/ یا ربط و نسبت قواعد فقهی با یکدیگر است؛

موضوع دوم) نقش دانش‌های فقهی در پردازش قواعد حقوقی ایران/ یا ربط و نسبت قواعد حقوقی ایران با قواعد فقهی است.

در فقه سنتی (ولو در آثار مرتبط با قواعد فقهی، از جمله: عاملی، بیتا؛ حلی، ۱۴۰۳ ق.؛ عاملی، ۱۴۱۶ ق.؛ نراقی، ۱۴۱۷ ق.؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷ ق.؛ آشتیانی، ۱۴۱۸ ق.) که عموماً به زبان عربی هستند، به تعریف و

1. Systematic

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مفهوم‌شناسی قواعد فقهی یا بررسی سرشت و ماهیت آن، به ویژه بررسی این که چه ربط و نسبتی بین قواعد فقهی با همدیگر وجود دارد، پرداخته نشـــده اســـت. حتی برخی از فقهای معاصـــر بر این باورند که «القواعد الفقهیه»، به معنای حکم عامی که در ارتباط با مسائل فقهی زیادی است، توسط اصولیون متأخر (بنگرید به انصاری، بیتا) مصطلح شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ ق.، ج. ۱، ص. ۲۰). آن، دست‌کم بدین معنی است که «القواعد الفقهیه» در این کاربرد، عنوانی مسبوق به سابقه در فقه سنتی نیست.

آثار متأخر در باب قواعد فقهی را نیز می‌توان ذیل دو دسته مورد بررسی قرار داد. دسته اول، آثار عربی در این خصوص هستند. در اولین اثر مبسوط فقهی که ذیل عنوان «القواعد الفقهیه» به رشته تحریر درآمده (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ ق.)، ماهیت و سرشت قواعد فقهی روشن نشده است. طبیعی است اگر ماهیت و سرشت قواعد فقهی مبهم باشد، به طریق‌اولی، رابطه قواعد فقهی باهم نیز مبهم خواهد بود، زیرا «ربط و نسبت قواعد فقهی با یکدیگر» به نوبه خود مربوط به «ماهیت و سرشت قواعد فقهی» است. هر چند در برخی از آثار فقهی عربی دیگر، در باب سرشت و ماهیت قواعد فقهی به مواردی همچون تعریف قاعده فقهی پرداخته شده که آن‌ها هم ناظر به رابطه قواعد فقهی با همدیگر نیســـتند (ازجمله: موحدی لنکرانی، ۱۴۱۶ ق.، ص. ۹-۱۰ و مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ ق.، ج. ۱، ص. ۲۰).

آثار معاصـر در باب قواعد فقهی که به زبان فارسـی نوشـته شـده‌اند (از جمله: محقق داماد، ۱۳۹۶؛ عمید زنجانی، ۱۳۹۷؛ محمدی، ۱۳۹۷؛ اسکندریان و شکاری، ۱۳۹۳؛ لطفی، ۱۳۸۷) نیز مستقیماً به «ربط و نسبت قواعد فقهی با یکدیگر» نپرداخته‌اند، هر چند به صـورت مفصـل به موارد مربوط به سـرشـت و ماهیت قواعد فقهی، از جمله تعریف آن پرداخته‌اند. پرسـشـی که در اینجا مطرح می‌شـود این اسـت که «آیا می‌توان از بین تعاریف آنان از قواعد فقهی و موارد مشـــابه، به شـــکل غیرمســـتقیم ربط و نســـبت قواعد فقهی با یکدیگر را دریافت؟». بررسی دقیق این تعاریف، نشانگر این است که امکان آن نیست. در این آثار تعریف دقیقی از قواعد فقهی دیده نمی‌شود، از این رو طبیعی است که نتوان از آن‌ها به شکل غیرمستقیم ربط و نسبت قواعد فقهی با یکدیگر را نیز دریافت. چنان که در مقام تعریف قواعد فقهی نوشـته شـده اسـت: «قواعد فقه، فرمول‌های بسـیار کلی هسـتند که منشـأ اسـتنباط قوانین محدودتر می‌شـوند و به یک مورد ویژه اختصـاص ندارد، بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می‌گیرند» (محقق داماد، ۱۳۹۶، ج. ۱، ص. ۳). این تعریف از این خطاها در رنج است که (۱) تمامی قواعد فقهی، «بسیار کلی» نیستند. آری به عنوان نمونه «لا ضرر» بسیار کلی است، اما باز به‌عنوان نمونه «فراغ و تجاوز» این ویژگی را ندارد؛ (۲) قواعد فقهی چون خود احکام کلی فقهی هســـتند، بر موارد جزئی تطبیق داده می‌شوند نه این که حکم موارد جزئی از قواعد عام استنباط شود. تعریف قواعد فقه به «حکم کلی فقهی که در ابواب مختلف فقه یا موضوعات متعدد به کار می‌رود، مثل لا ضرر که در ابواب مختلف

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

به کار می‌رود و یا مثل اقرار که در هر موضوعی که به زیان اقرار کننده باشد، جاری است» (محمدی، ۱۳۹۷، ص. ۱۴)، با وجود این که تا حدودی مناسب است، باز ناظر به جنبه‌ای از ماهیت و سرشت قواعد فقهی است. همان‌گونه که پیش از وی، در مقام تعریف قاعده فقهی، گفته شده بود که «قاعده فقهی، قضیه‌ای است که حکم محمولی آن به فعل یا ذاتی خاص متعلق نباشد، بلکه بسیاری از افعال یا ذوات متفرق را که عنوان حکم محمولی بر آن‌ها صادق است، شامل باشد» (شهابی، ۱۳۹۸، ص. ۱۳). این تعریف نیز تنها دربردارنده برخی از ویژگی‌های قواعد فقهی، از جمله قابلیت تطبیق بر موارد مختلف است، نه همه ویژگی‌های آن؛ از جمله ویژگی‌های ناظر به روابط قواعد فقهی با همدیگر.

از منظر مصداق شناسانه نیز، هرچند قاعده‌هایی فقهی در آثار مربوطه مطرح شده که در بررسی حقوق ارائه‌دهنده کار داوطلبانه از یک‌سو و بررسی حقوق نهاد کتابخانه‌ها از سوی دیگر، قابل تطبیق و پیاده‌سازی است، اما روشن نبودن ربط و نسبت این مصادیق از قواعد فقهی با دیگر قواعد فقهی، مانعی جدی در استفاده از آن‌ها در بررسی حقوق طرفین کار داوطلبانه در کتابخانه‌هاست. «احسان» و «اقدام» به عنوان دو قاعده از قواعد فقهی، در این رابطه قابل بررسی است. قاعده احسان که در برخی موارد مورد استناد قرار گرفته است (از جمله نجفی، ۱۴۰۴ ق. ج. ۴۳، ص. ۴۵) دربردارنده این است: فردی که کار وی محسنانه/ نیکوکارانه/ خیرخواهانه است را نمی‌توان مورد مؤاخذه مدنی و کیفری قرار داد، یعنی نه از وی خسارتی اخذ می‌شود و نه مجازات می‌شود[1] که مستند به آیات قرآنی، روایات، اجماع و دلیل عقلی شده است (بنگرید به اسکندریان و شکاری، ۱۳۹۳، ص. ۹۱-۹۴). این قاعده را این‌گونه می‌توان بر حقوق ارائه‌دهنده فعالیت‌های داوطلبانه تطبیق داد که «کار ارائه‌دهنده فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها، به نفع عموم جامعه است، از این رو بر اساس قاعده احسان، نمی‌توان وی را در مقابل نتیجه‌ای که از کار وی عاید کتابخانه‌ها و گیرندگان خدمت می‌شود، مورد مؤاخذه قرار داد». دلیل این که می‌توان قاعده احسان را بر فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها تطبیق داد به ادله فقهی آن برمی‌گردد. با این توضیح که یکی از ادله این قاعده، عبارت قرآنی «ما علی المحسنین من سبیل» (بخشی از آیه ۹۱ سوره بقره). در این عبارت، «المحسنین» جمع همراه با (ال) یا معرفه به (ال) است که از منظر اصول فقهی بیانگر معنای عام و گسترده‌ای بوده و هر شخصی که کار وی محسنانه باشد را شامل می‌شود و لو نوع احسان وی نوین باشد مثل احسان ارائه‌دهنده کار داوطلبانه (در این خصوص بنگرید به محمدی، ۱۳۹۰، ص. ۸۷؛ فرجی، ۱۳۸۵، ص. ۵۶-۶۷؛ نوبهار، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۷-۱۵۸؛ زراعت و مسجدسرایی، ۱۳۸۵، ص. ۳۵۸)؛ اما این پرسش در اینجا مطرح می‌شود که «اگر وی از این قاعده سوءاستفاده کند، چطور؟

۱. چنان که در ماده ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) آمده است: «هرگاه کسی در معابر یا اماکن عمومی با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، عملی به مصلحت عابران انجام دهد و اتفاقاً موجب جنایت یا خسارت گردد، ضامن نیست».

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

آیا باز می‌توان با استناد به قاعده احسان گفت که وی بری از مسئولیت است؟». زمانی می‌توانستیم از اول به این پرسش پاسخ مقتضی دهیم که ربط و نسبت قاعده احسان به عنوان یکی از مصادیق قواعد فقهی، با دیگر قواعد فقهی روشن بود. قاعده فقهی دیگر که در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها، قابل تطبیق است، قاعده اقدام است. منظور این است که هر شخصی آگاهانه امری را بپذیرد، کسی به نفع وی مسئولیتی ندارد. به عبارت دیگر هر شخصی علیه خود اقدامی کند، شخص دیگری مسئول اقدام وی نیست[1] (برای مطالعه تفاسیر دیگر از آن، بنگرید به موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ج. ۲، ص. ۸۷). از جمله این که اگر شخصی بنا بر مجانی بودن عملی را انجام دهد، شخصی که آن عمل به نفع وی انجام‌گرفته و یا دیگران، مسئول پرداخت بهای عمل وی نیستند. مشروعیت این قاعده مستند به روایات، بنای عقلاء و اجماع شده است (بنگرید به ولایی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۶-۱۰۷). در خصوص قاعده فوق نیز این پرسش قابل‌طرح است که «آیا این قاعده به شکل مطلق، نفی‌کننده مسئولیت است؟». زمانی می‌توانستیم به این پرسش پاسخ مقتضی دهیم که ربط و نسبت آن با دیگر قواعد فقهی، روشن بود. این در حالی است که علاوه بر روشن نبودن آن، مطالبی در آثار فقهی وجود دارد که گویای «اطلاق قاعده اقدام» است، در این طرز تلقی، چنان که قاعده اقدام قابل تطبیق باشد، قاعده‌ای دیگر نمی‌تواند آن را مقید و برای آن ایجاد محدودیت کند. چنانکه بر اساس یک دیدگاه فقهی اگر مشتری از بایع فضولی (فروشنده مال دیگری با فرض نداشتن اذن فروش) آگاهانه مالی را خریداری کند و مالک اصلی به آن قرارداد رضایت ندهد، حق مطالبه بهایی که به بایع فضولی پرداخت کرده، در صورت تلف شدن، نخواهد داشت، چرا که وی آگاهانه علیه مال خود اقدامی کرده است (بنگرید به عاملی، ۱۴۱۰ ق. ج. ۳، ص. ۲۳۵).

در خصوص موضوع دوم، یعنی بررسی نقش دانش‌های فقهی در پردازش قواعد حقوقی ایران یا ربط و نسبت قواعد حقوقی ایران با قواعد فقهی، بررسی آثار مربوطه نشانگر این است که با این موضوع به روش‌هایی مختلف مواجهه شده است: برخی به ربط و نسبت حقوق با فقه پرداخته‌اند که در باب این که در استدلال حقوقی چگونه می‌توان از فقه استفاده کرد، راهگشا نیست. پیش‌فرض آنان اتحاد و این‌همانی فقه و حقوق و یا داخل بودن حقوق در مجموعه فقه است (بنگرید به دانش‌پژوه، ۱۳۹۲، ص. ۱۷). همچنین، برخی، قواعد حقوقی را داخل در قواعد فقهی می‌دانند (قیوم زاده، ۱۳۹۵، ص. ۲۵) برخی نیز صراحتاً می‌گویند: «هر قاعده حقوقی، قاعده‌ای است فقهی» (محمدی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸). روشن است که بر اساس این طرز تلقی، قواعد حقوقی، جزئی از مجموعه کلی فقه است و بنابراین، پرداختن به این پرسش که «در پردازش حقوقی چگونه

۱. همان‌گونه که در ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی آمده است: «هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود».

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌توان از قواعد فقهی اســتفاده کرد؟»، ســالبه به انتفاء موضــوع اســت. زیرا مبنا و پیش‌فرض این پرســش، دوگانگی قواعد فقهی و قواعد حقوقی است. چالش مذکور نیز ریشه در ابهامات موجود در باب سرشت و ماهیت قواعد حقوقی دارد (بنگرید به عدل، ۱۳۷۳، ص. ۲۱؛ شــایگان، ۱۳۷۵، ص. ۱۷؛ امامی، ۱۳۷۷، ج. ۱، ص. ۱۴؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱؛ شــیروی، ۱۳۹۸، ص. ۹؛ واحدی، ۱۳۹۱، ص. ۳۲؛ زراعت و معین، ۱۳۹۸، ص. ۱۳).

بنا بر آنچه گفته شــد، مشــخص نبودن چگونگی کاربســت قواعد فقهی در بررســی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه، مربوط به دو ابهام زیر است:

اول) مبهم بودن ربط و نسبت قواعد فقهی با یکدیگر که آن‌هم به نوبه خود، به مبهم بودن مفهوم، ماهیت و ســرشــت قواعد فقهی از یک‌ســو، و قطع رابطه فقه با دانش‌های فرا فقهی (مثل فلســفه فقه)، از ســوی دیگر برمی‌گردد.

دوم) مبهم بودن ربط و نســبت قواعد حقوقی با قواعد فقهی که آن‌هم به نوبه خود به مبهم بودن مفهوم، ماهیت و سرشت قواعد حقوقی از یک‌سو و قطع رابطه حقوق با دانش‌های فرا حقوقی (مثل فلسفه حقوق)، از سوی دیگر برمی‌گردد.

در پژوهش عطاء، سالاری و بهزادی (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر جذب مشارکت‌های مردمی در کتابخانه‌های عمومی شهر مشهد» که بیشترین ارتباط موضوعی با فیلد پژوهش را دارد، فقط به کمک‌های مادی و انگیزه مشارکت‌کننده‌ها پرداخته شده است. در این پژوهش مؤثرترین انگیزه‌های خیرین کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، انگیزه‌های دینی (رضای خدا، پاداش اخروی)، خدمت به مردم و همنوع اعلام می‌شود. در همین راستا، مؤثرترین انگیزه‌های خیرین کتابخانه‌های عمومی نیز خدمت به مردم و همنوع و گسترش علم و دانش در جامعه است. همچنین مهمترین موانع مشارکت در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی عبارت‌اند از: الف. عدم آگاهی جامعه از اهمیت و ضرورت مشارکت در کتابخانه‌ها؛ ب. نبود فرهنگ الگوسازی خیرین فعال در جامعه؛ ج. وضــعیت اقتصــادی و تورم موجود در جامعه. همچنین عدم آگاهی جامعه از اهمیت و ضــرورت مشــارکت در کتابخانه‌ها، تبلیغات ناکافی درباره ترویج فرهنگ مشــارکت مردمی در کتابخانه در رســانه‌های گروهی و وضــعیت اقتصــادی و تورم موجود در جامعه به ترتیب از مهمترین موانع مشــارکت در کتابخانه‌های عمومی اســت. مهمترین راهکارهای جلب مشــارکت مردم در امور کتابخلنه‌های آســتان قدس رضــوی و کتابخلنه‌های عمومی، اســتفاده از رســانه‌های جمعی و تبلیغاتی مانند تلویزیون، آگهی‌نما و ... برای جذب مشــارکت مردم در کمک به توسعه کتابخانه است. در همین راستا مهمترین راهکار رفع موانع مشــارکت در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: تبلیغات و اطلاع‌رسانی کافی در مورد وضعیت

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

و نیاز کتابخانه‌ها در صداوسیما، فرهنگ‌سازی درباره ضرورت و اهمیت مشارکت مردم در امور کتابخانه‌ها. همچنین این اولویت‌ها در کتابخانه‌های عمومی به ترتیب عبارتند از: تبلیغات و اطلاع‌رسانی کافی در مورد وضعیت و نیاز کتابخانه‌ها در صداوسیما، ترغیب و تقویت روحیه وقف میان مردم به ویژه در زمینه کتابخانه‌ها.

در حوزه خارج از کشور نیز، پژوهش‌هایی که انجام گرفته بیشتر جنبه توصیفی داشته و مقالات زیادی در حوزه کتابخانه‌ها یافت نمی‌شود. با این حال، در اینجا به دو پژوهشی که بیشترین ارتباط را یکی از جنبه فیلد موضوع و دیگری از جنبه نقش سازمان‌های مردم نهاد دارند، اشاره می‌شود:

هییری[1] در سال (۱۹۹۴) پژوهشی با عنوان «استفاده از داوطلبان در کتابخانه‌های عمومی: یک مطالعه آزمایشی» انجام داد که پنجاه و دو کتابخانه عمومی در ایلنویز مورد بررسی قرار گرفتند. ابزاری را برای اندازه‌گیری میزان استفاده داوطلب آزمایش می‌کند. ۹۸ درصد کتابخانه‌ها، پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده را برگرداندند. نتایج نشان می‌دهد که داوطلبان در حال حاضر در ۵۷ درصد (۳۴ کتابخانه) از کتابخانه‌های این گروه مورد استفاده قرار می‌گیرند، افزایش سطح یا میزان در مطالعات اولیه گزارش شده است. از اطلاعات دموگرافیک برای ساختن پروفایل کتابخانه‌ها با استفاده از داوطلبان و افرادی که داوطلب استفاده نمی‌کنند، استفاده می‌شود. یافته‌های این تحقیق دلایل استفاده کردن یا استفاده نکردن از داوطلبان را مشخص می‌کند، انواع فعالیت‌هایی را که داوطلبان انجام می‌دهند، ذکر کرده و ویژگی‌های برنامه‌های داوطلب موجود را شرح می‌دهد.

پایاتی و کمال[2] (۲۰۱۲) در مقاله خود با عنوان «کتابخانه‌های توسعه‌یافته توسط سازمان‌های مردم‌نهاد در هند: تاثیرات، مدل‌ها و قابلیت‌های جدید» به جنبه مغفول‌مانده کتابداری بین‌المللی، یعنی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه و مدیریت کتابخانه‌های عمومی و جامعه پرداخته است. یک مطالعه موردی از سازمان‌های غیردولتی را که در منطقه محروم زاغه‌نشین و در کلان‌شهر جنوبی هند بنگالور فعالیت می‌کنند، بررسی کرده است. این مطالعه موردی مبتنی بر تحقیقات میدانی اخیر است که نویسندگان انجام داده‌اند و بینشی از این مدل جایگزین توسعه کتابخانه ارائه می‌دهند. یکی از یافته‌های مهم تحقیق مذکور این است که کتابخانه‌های مبتنی بر جامعه مولفه‌های مفید و مهم برنامه‌های توسعه اجتماعی در هند هستند.

با بررسی پژوهش‌های مربوط به فعالیت‌های داوطلبانه در داخل کشور مشخص می‌شود که پژوهش‌های انجام شده بیشتر در سایر حوزه‌هاست و آن حوزه‌ها توجه بیشتری به این ظرفیت دارند، در صورتی که قلمرو کتابداری و اطلاع‌رسانی پژوهش‌های مستقلی یا انجام نداده یا ناچیز بوده و همین امر ضرورت پرداختن به این

1. Heery
2. Pyati & Kamal

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مهم یعنی مقوله فعالیت‌های داوطلبانه در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. در سایر کشورها نیز، پژوهش‌های پراکنده و غیرمنسجمی انجام شده است و بیشتر پژوهش‌ها جنبه گزارشی دارند. خلاء موجود در پرداختن به بحث‌های حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها نیز دوچندان مشاهده می‌شود. بنابراین، پژوهش حاضر گامی است در این راستا تا دست‌کم در روش‌سازی جنبه‌هایی از این مهم کمک نماید.

روش‌شناسی پژوهش

برای اثبات این فرضیه که تنها در چارچوب خاصی می‌توان از قواعد فقهی در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها بهره گرفت، اطلاعات لازم با استفاده از روش کتابخانه‌ای از آثار علمی مکتوب و معتبر، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل محتوایی قرار گرفته است. دامنه مطالعات فقهی محدود به آثار فقهای امامیه (فقیهان شیعه دوازده‌امامی) و دامنه مطالعات حقوقی محدود به آثار حقوق‌دانان ایران است.

فقه‌پژوهان فوق و به تبع آنان، پژوهشگران حقوقی ایران، با این که اصل باب پژوهش و اجتهاد را باز می‌دانند[1]، برای پاسخ به مسائل فقهی و حقوقی، معمولاً از ادله مکتوب (در فقه آیات و روایات و در حقوق علاوه بر آن، مجموعه قوانین) استفاده کرده و بر اساس پیش‌فرض‌هایی که در مورد «عقل» دارند، راه استفاده از عقل مستقل در پژوهش فقهی و حقوقی را به نحوی از انحاء مسدود می‌یابند. از جمله مهمترین این پیش‌فرض‌ها، (۱) تبعیض معرفت‌شناسانه بین ظنونِ[2] حاصل از منابع مکتوب و ظنونِ حاصل از ادراکات عقلانی و (۲) باور به دخالت حداکثری عقل در پژوهش از منظر نظری است. بر اساس پیش‌فرض نخست، دامنه استفاده از ادراکات عقلانی در پژوهش، محدود به بدیهیات عقلانی شده و احتمالات عقلانی و لو راجح، فاقد اعتبار می‌شوند. بر اساس پیش‌فرض دوم نیز، چون دخالت حداکثری عقل در پژوهش، منجر به نتایجی همچون عدم توجه به ظنون حاصل از منابع مکتوب و قوانین می‌شود، در عمل راه پژوهش از طریق ادراکات عقلی مستقل از منابع مکتوب و قوانین، مسدود می‌شود. نگارندگان بر این باورند که هیچ دلیلی به نفع این تبعیض وجود ندارد. همچنین خوانش حداکثری را تقلیل به خوانش حداقلی داده و بر این باورند که به جای این که بگوییم «هر آنچه عقل بدان حکم می‌کند، قانونگذار نیز بدان حکم می‌کند» باید گفت: «قانونگذار حکمی ناسازگار با عقل ندارد». این خوانش سلبی، نتایج نادرست خوانش ایجابی را ندارد.

در پژوهش حاضر از این روش برای پژوهش استفاده شده است. این روش، منظر فرا فقهی را در پژوهش

1. See: Hallag, 1984, pp. 3-41

۲. احتمالات دارای رجحان و برتری را گویند. به عبارت دیگر ظن، احتمالی است که بر احتمال دیگر می‌چربد، اما به حد یقین و اطمینان نمی‌رسد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ج. ۳، ص. ۲۴۶۲).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فقهی ممکن/روا می‌سازد. همان‌گونه که منظر فرا حقوقی را در پژوهش حقوقی، ممکن/روا می‌سازد. روشی که برخی از ابهامات فقهی و حقوقی نظام حقوقی ایران، ریشه در به رسمیت نشناختن آن دارد (برای آگاهی بیشتر بنگرید به فنائی و نوجوان، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۷-۳۰۷).

یافته‌های پژوهش

پژوهش انجام‌گرفته، در راستای استفاده از قواعد فقهی در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران، دارای دو چارچوب می‌باشد. چارچوب اول، نَقلی (روایی/شرعی) است، از این رو می‌توان آن را «چارچوب شرعی قواعد فقهی در بررسی حقوقی» نامید. چارچوب دوم، عقلی (اخلاقی) است، از این رو می‌توان آن را «چارچوب اخلاقی قواعد فقهی در بررسی حقوقی» نام نهاد.

دو چارچوب فوق، مبتنی بر این است که قواعد فقهی مختلف، در عرض هم نیستند، بلکه در طول هم قرار داشته و برخی بر برخی دیگر تقدم دارند. به عنوان نمونه «قاعده لا ضرر» که دربردارنده عدم امکان انتساب امر ضرری به قانونگذار شرعی است و کلیات آن مورد اتفاق همه مذاهب اسلامی است (عمید زنجانی، ۱۳۹۷، ج. ۱، ص. ۱۰۸) هنجار برتر دیگر قواعد فقهی است. به موجب هنجار برتر بودن، لا ضرر حدود شرعی تمامی قواعد فقهی را ترسیم می‌کند و بر این اساس، محتوای قواعد فقهی، از نظر شرعی تا جایی قابلیت انتساب به قانونگذار شرعی را دارند که منتج به حکمی ضرری نشوند. زیرا به موجب ادله شرعی، هیچ حکم ضرری قابل انتساب به قانونگذار شرعی نیست. چنان که در بخشی از روایت منتسب به پیامبر اکرم (ص) آمده است که «لا ضرر و لاضرار» (کلینی، ۱۴۰۷ ق.، ج. ۵، ص.۲۹۲-۲۹۳؛ قمّی، ۱۴۱۳ ق.، ج. ۳، ص. ۲۳۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق.، ج. ۷، ص. ۱۴۷ و حر عاملی، ۱۴۰۹ ق.، ج. ۱۸، ص. ۳۲).

در خصوص راوی این روایت، تردیدهایی وجود دارد (رج: محقق داماد، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۴)، اما به روش‌های مختلف، مورد عمل قرارگرفته، تا جایی که ادعای متواتر بودن آن نیز شده است (رج: محقق داماد، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۹). دانشمندان در مقام تفسیر متن آن، دیدگاه‌های متفاوتی دارند، بر مبنای دیدگاه برخی، مدلول آن از این قرار است که «در مجموعه قوانین اسلام، هر ضرری باید جبران شود». بر مبنای دیدگاه برخی دیگر مدلول آن از این قرار است که «هر آنچه موجب ضرر شود، در اسلام نفی شده است». بر اساس دیدگاه برخی دیگر، مدلول روایت از این قرار است که «حکم ضرری در اسلام وجود ندارد». بر مبنای یک دیدگاه دیگر «نباید در اسلام ضرری باشد». به موجب دیدگاه دیگر، «در استیفای حقوق، نباید به دیگری ضرری وارد آید» (رج: عمید زنجانی، ۱۳۹۷، ج. ۱، ص. ۱۱۱-۱۱۲). از منظر روایی، عدم مشروعیت ضرر، اهمیت بسزایی دارد و این ناظر به هنجار برتر بودن آن است، چنان که «حر عاملی» در کتاب «وسائل الشیعه» باب خاصی در این رابطه دارد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

(محقق داماد، ۱۳۹۶، ج. ۱، ص. ۱۷۹). چنان که آیاتی از قرآن نیز بیانگر عدم مشروعیت ضرر هستند (آیات ۲۸۲، ۲۳۱، ۲۳۳ و ۲۸۲ بقره؛ آیه ۱۲ نساء). تا جایی که آن از منظر روایی، بدون اشکال دانسته شده است (رج: عبدالهی، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۹). ثانوی بودن آن، نیز در راستای هنجار برتر بودن آن است، زیرا نتیجه ثانوی بودن آن، از این قرار است که به عنوان صافی و فیلتر، هر ضرری را در پژوهش فقهی تصفیه و حذف می‌کند.

در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه (در ایران)، توجه به هنجار برتر بودن ممنوعیت ضرر و سوءاستفاده از حق، اهمیت مضاعفی دارد، دلیل آن، یک حکم عام و یک حکم ویژه است. منظور از حکم عام، اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که به موجب آن، کلیه قوانین و مقررات باید مبتنی بر موازین اسلام باشد. از این رو، چون لا ضرر، هنجار برتر قواعد فقهی از منظر شرعی است، باید هنجار برتر قواعد حقوقی مبتنی بر آن شرع نیز باشد؛ اما دلیل خاص، اصل چهلم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که مقرر می‌دارد:

«هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.»

اصول قانون اساسی، هنجار برتر حقوق هستند، از این رو، وقتی قانون اساسی دربردارنده ممنوعیت سوءاستفاده به عنوان یک هنجار برتر است، در بررسی حقوقی (به طورکلی) و در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها (به‌طور ویژه)، نمی‌توان قواعد فقهی را بدون در نظر گرفتن این هنجار برتر، پیاده ساخت. چنان که هنجارهای عادی نیز گاه در راستای این هنجار برتر، وضع‌شده‌اند. یعنی موادی در قوانین عادی وجود دارد که بر اساس این هنجار برتر قانونگذاری شده و قانونگذار آن را محترم داشته است. وقتی، هم هنجارهای برتر و هم عادی، در راستای احترام به «اصل ممنوعیت ضرر و سوءاستفاده از حق» است، روشن است که مفسر قوانین و حقوق‌دانان نیز در بررسی حقوقی مقولات مختلف، از جمله در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها، به طریق اولی باید این اصل را محترم دارند. علاوه بر این که مفسر قانون در این راستا مسئولیت حقوقی مذکور را دارد، در ادامه خواهیم دید که در راستای احترام بدان، مسئولیت اخلاقی نیز دارد.

«قبیح بودن ظلم و بی‌انصافی» هنجار برتر تمامی قواعد فقهی از منظر اخلاقی است. در واقع، ادراکات عقلانی همچون زشتی ناعدالتی و زشتی بی‌انصافی، حدود اخلاقی تمامی قواعد فقهی را ترسیم می‌کند. ترسیم این حدود اخلاقی، ریشه در تفکرات متفکرین سنتی شیعه دارد. آنان بر این باورند که اراده قانونگذار شرعی محدود به دامنه اخلاق است. بنابراین، وقتی قوانین مدنظر شارع مقدس محدود به دامنه اخلاق است و هیچیک از احکام مدنظر وی بااخلاق ناسازگار نیست، قواعد فقهی تنها در چارچوبی دارای اعتبار از منظر فلسفه فقه هستند که بااخلاق ناسازگار نباشند. زیرا فقه دانش شناخت احکام مدنظر خداست، از این رو، وقتی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خداوند هیچ حکم ناسازگار بااخلاق ندارد؛ بنابراین، به طریق اولی در مقام شناخت احکام مدنظر وی، قاعده ناسازگار بااخلاق، قابل استناد به وی نیست (فنائی و نوجوان، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۷-۳۰۷). از این رو، بررسی‌کنندگان حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها، این مسئولیت اخلاقی را نیز دارند که طوری از منابع مختلف از جمله قواعد فقهی استفاده کند که اصول اخلاقی و عقلانی نقض نشوند.

بحث و نتیجه‌گیری

فقدان چارچوب برای قواعد فقهی در استفاده حقوقی از آن‌ها به ویژه در امور نوینی همچون فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران، باعث پیاده‌سازی آن‌ها بدون هرگونه محدودیتی می‌شود، این در حالی است که این اطلاق و عدم محدودیت، ممکن است نه مدنظر قانونگذار شرعی و عرفی باشد و نه مدنظر طرفین فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها باشد و ممکن است موجب نقض اصول اخلاقی، انسانی و عقلانی شود. برای ملموس‌شدن این پیامد، مثال زیر قابل‌ذکر است:

فرض کنیم یک دانشجوی ترم آخر رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی با کتابخانه دانشگاه خود توافق بر فعالیت‌های داوطلبانه کرده است. وی در راستای فعالیتی که بر عهده گرفته، متحمل هزینه‌هایی شده است. چنانچه قاعده اقدام در بررسی حقوق وی به شکل مطلق تطبیق داده شود، این نتیجه حاصل می‌شود که وی آگاهانه اقدام به عملی کرده که ذاتش رایگان است، از این رو، کتابخانه در برابر هزینه‌هایی که وی متحمل شده، مسئولیتی ندارد؛ اما چنان که در قالب چارچوب مربوطه تطبیق داده شود، پیامد آن، از این قرار خواهد بود که ملحوظ اراده وی، انجام رایگان خود فعالیت واگذار شده بوده است، نه این که بلاعوض بودن هزینه‌هایی که کرده را هم در نظر داشته باشد.

اگر چارچوب مذکور در نظر گرفته شود، در استفاده از قواعد فقهی در بررسی حقوقی، دچار ناسازگاری شرعی و اخلاقی نخواهیم شد. اهمیت این چارچوب از منظر شرعی در نظام حقوقی ایران با توجه به اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران روشن است.[۱] توجه به این چارچوب در مقولات نوین و مدرنی همچون «فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها» دوچندان است.

حقوق ایران از گذشته تاکنون، اهمیت ویژه‌ای به منابع فقهی، به ویژه قواعد فقهی، قائل است. با وجود این مهم، چگونگی استفاده از این منابع در بررسی‌های حقوقی بدین دلیل که تاکنون مورد تحقیق و پژوهش قرار نگرفته،

۱. اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نظام‌مند نیست. روشن شد که لازمه شناخت «چگونگی کاربست قواعد فقهی در بررسی‌های حقوقی» (به طور عام) و «فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران» (به طور خاص)، شناسایی دو مقوله زیر است:

(۱) ربط و نسبت قواعد فقهی با همدیگر؛

(۲) ربط و نسبت قواعد حقوقی ایران با قواعد فقهی.

پیشینه‌شناسی انجام‌گرفته، نشان داد، ریشه چالش‌های آثار پیشین در باب دو موضوع فوق به قرار زیر است:

(۱) ربط و نسبت قواعد فقهی با همدیگر، بدین دلیل مبهم است که ماهیت و سرشت قواعد فقهی و حتی تعریف و ویژگی‌های آن به شکل دقیق و کامل روشن نیست؛

(۲) ربط و نسبت قواعد حقوقی با قواعد فقهی بدین دلیل مبهم است که ماهیت و سرشت قواعد حقوقی و حتی تعریف و ویژگی‌های آن به شکل دقیق روشن نیست.

بررسی آثار پیشین نشان داد: هر یک از دو چالش فوق، از جمله، ریشه در دو امر زیر داشته است:

(۱) ابهاماتی که در روش‌شناسی آثار مربوط به قواعد فقهی موجود است؛

(۲) ابهاماتی که در روش‌شناسی آثار مربوط به قواعد حقوقی موجود است.

نگارندگان، با اختیار روش متعادلی در بهره‌گیری از ادراکات مستقل عقلی که داشتن منظر فراحقوقی را در بررسی‌های حقوقی روا و لازم می‌داند، تلاش کرده‌اند که ثابت کنند تنها در چارچوب خاصی می‌توان از قواعد فقهی در بررسی‌های حقوقی بهره برد. این چارچوب را برخی از قواعد فقهی و اصول اخلاقی شکل می‌دهد. قواعدی که چارچوب قواعد دیگر هستند، چارچوبی روایی، نقلی و شرعی هستند. اصول اخلاقی نیز چارچوبی عقلی هستند. این دو سنخ چارچوب مبتنی بر به رسمیت شناختن برتر بودن برخی از هنجارها نسبت به برخی دیگر است.

برای ملموس‌سازی این فرضیه در باب فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران، دو قاعده فقهی «احسان» و «اقدام» در قالب این چارچوب مورد بررسی قرار گرفته است. قاعده احسان، در باب فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران، دربردارنده این است که کار ارائه‌دهنده فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها، محسنانه و به نفع عموم جامعه است، از این رو بر اساس قاعده احسان، اصولاً نمی‌توان وی را در مقابل نتیجه‌ای که از کار وی عاید کتابخانه‌ها و گیرندگان خدمت می‌شود، مورد مؤاخذه قرار داد. دلیل این که می‌توان قاعده احسان را بر فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها تطبیق داد به عمومیت ادله فقهی آن و عدم وجود حقیقت شرعی و قانونی برای «احسان و محسن بودن» برمی‌گردد که از این رو، قاعده مذکور شامل مقولات نوینی همچون مقوله پیشاروی می‌شود. قاعده اقدام نیز در باب فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دربردارنده این اســـت که چون ارائه‌دهنده فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها، آگاهانه عمل رایگانی را برعهده‌گرفته، نهاد کتابخانه مسئول دستمزد وی نیست.

در بررســـی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران، توجه به دو چارچوب فوق، اهمیت مضاعفی دارد. زیرا حقوق ایران، به روش‌های مختلف می‌خواهد نسبت به فقه وفادار باشد که لازمه آن، وفاداری به برتر بودن برخی از قواعد فقهی نســـبت به برخی دیگر اســـت. همچنین لازمه وفاداری وی به قواعد فقهی، پذیرش این اصل است که اصول اخلاقی، هنجار برتر قواعد فقهی است که ریشه در فلسفه فقه دارد. بنابراین، بررسی‌کننده حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها، این مسئولیت حقوقی و اخلاقی را دارد که طوری از منابع مختلف ازجمله قواعد فقهی استفاده کند که قواعد فقهی برتر و اصول اخلاقی برتر نقض نشوند.

فقدان چارچوب برای قواعد فقهی در اســتفاده حقوقی از آن‌ها به ویژه در امور نوینی همچون فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران، باعث پیاده‌سازی آن‌ها بدون هرگونه محدودیتی می‌شود، این در حالی است که این اطلاق و عدم محدودیت، ممکن اســـت نه مدنظر قانون‌ذار شـــرعی و عرفی باشـــد و نه مدنظر طرفین فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها باشد و ممکن است موجب نقض اصول شرعی، اخلاقی، انسانی و عقلانی شود. اگر چارچوب مذکور در نظر گرفته شود، در استفاده از قواعد فقهی در بررسی حقوقی دچار ناسازگاری شرعی و اخلاقی نخواهیم شد.

بر اساس آنچه گذشت، کاربست دو قاعده اقدام و احسان در بررسی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران، مطلق نبوده و دارای دو چارچوب «شرعی» و «عقلی» است، چارچوب شرعی آن برگرفته از ادله روایی مربوطه است که به موجب آن، اگر اعمال این دو قاعده موجب ضرر شود، آن منتسب به قانونگذار شرعی نیست. چارچوب عقلانی آن نیز محصول ادراکات عقلانی است که اجازه نمی‌دهد تطبیق این دو قاعده، نتیجه غیرعادلانه‌ای علیه ارائه‌دهنده فعالیت‌های داوطلبانه از یک‌سو و نهاد کتابخانه از سوی دیگر در برداشته باشد.

پژوهشـــگران حقوق ایران بر این باورند که تمامی ابعاد قواعد فقهی، از پیش تعیین شـــده اســـت و دیگر نیازمند پژوهش مجتهدانه نیست. این در حالی است که چنان که دیدیم، این‌گونه نیست و امر مهمی همچون چگونگی کاربست و چارچوب‌های آن‌ها تاکنون مورد پژوهش قرار نگرفته است. پژوهش حاضر، اولین پژوهش در خصـــوص نحوه کاربســـت قواعد فقهی در بررســـی‌های حقوقی و بررســـی حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران است. از این رو، ادامه پژوهش در این راستا، به شکل جدی پیشنهاد می‌شود. شایسته است پژوهشگران حوزه فقه، حقوق و علم اطلاعات و دانش‌شناسی با انجام پژوهش‌هایی در این راستا هم به اشتراک دیدگاه‌های خود پرداخته و هم در جهت تبادل نظر کوشا باشند. پژوهش‌های توصیفی که گزارشی از اقدامات

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

انجام شـده محتمل در کتابخانه‌های مختلف را به طور مکتوب ارائه نماید و نیز انجام پژوهش‌های آزمایشـی و کمی و کیفی کاربردی در این راسـتا کمک‌کننده خواهد بود که می‌تواند برای تنظیم قواعد و قراردادهای فعالیـت‌های داوطلبانه سودمند باشد. همچنین تشکیل کارگروه‌های علمی در راستای شناخت بیشتر ابعاد فقهی و حقوقی فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران نیز از دیگر پیشـنهادات نگارندگان اسـت. پیشـنهاد نهایی پژوهش حاضـر این اسـت که در بررسـی حقوقی، بررسـی‌کننده، خود را از دو جهت مسـئول بداند، اول از منظر حقوقی (علمی)؛ دوم از منظر اخلاقی (انسانی).

سپاسگزاری

نگارندگان لازم می‌دانند از داوران محترم به خاطر مطالعه مقاله و ارائه نظرهای ارزشمند، سپاسگزاری نمایند.

منابع

آشتیانی، محمدحسن (۱۴۱۸ ق.). *رساله فی القواعد الفقهیه*. تهران: مؤسسه اطلاعات.

اسکندریان، حسن؛ شکاری، روشنعلی (۱۳۹۳). *قواعد فقه، بخش مدنی*. تهران: میزان.

اسمیت، ج. د. (۱۳۸۰). فعالیت‌های داوطلبانه، سرمایه آینده. *پیام یونسکو*. ۳۲(۳۷۲)، ۲۰-۲۱.

افضلی، رسول؛ ایرانخواه، احمد؛ مؤمنی، حسن (۱۳۹۷). بررسی نقش سمن‌ها در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، مورد مطالعه: شهر تهران. *جغرافیا و روابط انسانی*، ۱(۱)، ۵۶۹-۵۹۲.

امامی، سید حسن (۱۳۷۷). *حقوق مدنی*. تهران: اسلامیه.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر(۱۳۹۸). *مقدمه عمومی علم حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ سیزدهم.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۵). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش.

حرّ عاملی، محمد (۱۴۰۹ ق.). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.

حسینی مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷ ق.). *العناوین الفقهیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۹۲). *مقدمه علم حقوق*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

رمضانی قوام‌آبادی، محمد حسین (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه از تأسیس تا فعالیت. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۶(۲)، ۵۶۸-۶۴۱.

روحانی یزدلی، مجتبی (۱۴۰۰). نقش سمن‌ها در تزویج حقوق شهروندی. *مطالعات حقوق شهروندی*، ۲۴، ص. ۲۱۸-۱۸۹.

زراعت، عباس؛ معین، محمدرضا (۱۳۹۸). *مقدمه علم حقوق*. تهران: جنگل.

زراعت، عباس؛ مسجد سرایی، حمید (۱۳۸۵). *مبانی استنباط فقه و حقوق*. قم: حقوق اسلامی.

شایگان، سید علی (۱۳۷۵). *حقوق مدنی*. قزوین: طه.

شهابی خراسانی، محمود (۱۳۹۸). *قواعد فقه (خلاصه تقریر و درس)*. تهران: دانشگاه تهران.

شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۸). *مقدمه علم حقوق*. تهران: میزان.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عبدی، مرجان؛ عباس‌نیا، سید محمد (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی مدیریت سمن‌های زیست‌محیطی در ایران ۱۴۰۴. *حقوق محیط‌زیست*، ۱(۲)، ۱۶-۲۹.

عطاء، امیر؛ سالاری، محمود؛ بهزادی، حسن (۱۳۹۴). *بررسی عوامل جذب مشارکت‌های مردمی در کتابخانه‌های عمومی شهر مشهد*. دانشگاه امام رضا علیه السلام. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

طوسی، محمد (۱۴۰۷ ق.). *تهذیب الأحکام*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

عاملی، محمد (بیتا). *القواعد و الفوائد*. قم: کتاب‌فروشی مفید.

عاملی، زین‌الدین (۱۴۱۶ ق.). *تمهید القواعد الأصولیه و العربیه*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

عاملی، زین‌الدین (۱۴۱۰ ق.). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*. قم: کتاب‌فروشی داوری.

عبدالهی، عبدالکریم (۱۳۸۸). *قواعدی از فقه*. قم: بوستان کتاب.

عدل، مصطفی (۱۳۷۳). *حقوق مدنی*. قزوین: بحرالعلوم.

عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۹۷). *قواعد فقه، بخش حقوق خصوصی*. تهران: سمت.

فرجی، حمید (۱۳۸۵). *قواعد اصول فقه*. تهران: بهنامی.

فنائی، ابوالقاسم؛ نوجوان، داود (۱۳۹۸). نقش اخلاق در قانونگذاری از منظر فلسفه فقه و فلسفه حقوق. *حقوق تطبیقی*، ۱۵(۲)، ۲۶۹-۳۰۷.

قربانیان، حسین؛ هراتیان نژادی، مجید (۱۳۸۶). حقوق بیماران و نقش‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی. *حقوق پزشکی*، ۱(۲)، ۴۱-۱۱.

قمّی، محمد (۱۴۱۳ ق.). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

قیوم زاده، محمد (۱۳۹۵). *قواعد فقه پیشرفته*. تهران: بهنامی.

کلینی، محمد (۱۴۰۷ ق.). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

لطفی، اسدالله (۱۳۸۷). *قواعد فقه مدنی*. تهران: سمت.

محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۷). *قواعد فقه*. تهران: میزان.

محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۰). *مبانی استنباط حقوق اسلامی*. تهران: دانشگاه تهران.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۶). *قواعد فقه، ج. ۱، بخش مدنی، مالکیت- مسئولیت*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مرجانی، سید عباس؛ زارعی، عاطفه؛ بیات، بهروز (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران با ارائه الگوی نظری. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۴(۴)، ۵-۳۰.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ ق.). *القواعد الفقهیه*. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام).

موحدی لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۱۶ ق.). *القواعد الفقهیه*. قم: چاپخانه مهر.

موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ ق.). *القواعد الفقهیه*. قم: نشر الهادی.

موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۹۶). *قواعد فقهیه*. تهران: مجد.

نراقی، احمد. (۱۴۱۷ ق.). *عوائد الأیام فی بیان قواعد الأحکام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

نوبهار، رحیم (۱۳۹۵). *اصول فقه، مباحث الفاظ و قواعد تفسیر متن*. تهران: میزان.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

واحدی، قدرت الله (۱۳۹۱). *مقدمه علم حقوق*. تهران: میزان.

References

Freitag, M. (2003). Social capital in (dis) similar democracies: The development of generalized trust in Japan and Switzerland. *Comparative political studies*, 36(8), 936-966.

Hallag, W. B. (1984). Was the gate of ijtihad closed? *International Journal of Middle Este Studies*, 16(1), 3-41.

Heery, S. (1994). Promotion of library services in the voluntary sector: the case of Christian Aid. Aslib Proceedings, 46(4), 101-103. https://doi.org/10.1108/eb051351.

Pyati, A. K., & Kamal, A. M. (2012). NGO-Developed Libraries in India: Impacts, Models, and New Possibilities. published Online: 2012-09-07. DOI: https://doi.org/10.1515/libri-2012-0023.

Walters, W. (2002). Social capital and political sociology: re-imagining politics? *Sociology*, 36(2), 377-397.

Abdi, M., & Abbasnia, S. M. (2016). Future studies Environmental NGOs Management in Iran 1404. *Environmental Law*, 1(2), 16-29. (in Persian).

Abdullahi, A. (2009). *The Rules of Figh*. Qom: Bustaneketab. (in Persian)

Adl, M. (1994). *Civil Law*. Qazvin: Bahr al-Ulum. (in Persian)

Afzali, R., Irankhah, A., & Momeni, H. (2018). Investigating the role of ngo in preventing social injuries, Case study: Tehran. *Geography and Human Relationships*, 1(1), 569-592. (in Persian)

Al-Hurr al-Amili, M. (1997). *Wasail al-Shia*. Qom: Aal-ulbayt.

Amid Zanjani, A. (2018). *The Rules of Islamic Jurisprudence, Private Law*. Tehran: Samt. (in Persian)

Ameli. M. (No Data). *Rules and benefits*. Qom: Mofid.

Ameli. Z. (1995). *Preparing the Fundamentalist and Arabic Rules.* Qom: Islamic Publications Office.

Ameli. Z. (1989). *Explain to al- Lumah*. Qom: Davari.

Ashtiyani. M. H. (1997). *Treatise on the Principles of Jurisprudence*. Tehran: Ettelaat.

Ata, A., Salari, M., & Behzadi, H. (2014). *Investigating the factors of attracting people's participation in the public libraries of Mashhad*. Imam Reza University, Faculty of Literature and Human Sciences, master's thesis. (in Persian)

Daneshpajooh, M. (2013) *An Inteuduction to Law*. Qom: Research Institute of the Hawza & University. (*in Persian*).

Eskandarian, H., & Shekari, R. (2015). *The Rules of Islamic Jurisprudenc, Civil Section*. Tehran: Mizan. (*in Persian*).

Emami, S. H. (1998). *Civil Law*. Tehran: Islamiyeh. (in Persian)

Faraji. H. (2006). *Principles of Islamic Law*. Tehran: Behnami. (in Persian)

Fanai, A., & Nojavan, D. (2020). The Role of Ethics in Legislation from the Perspective of Philosophy of Jjurisprudence and Philosophy of Law. *Comparative Law*, 15(2), 269-307. (in Persian)

Freitag, M. (2003). Social capital in (dis) similar democracies: The development of generalized trust in Japan and Switzerland. *Comparative political studies*, 36(8), 936-966.

Ghayom Zadeh, M. (2016). *Principles of the Islamic Jurisprodence*. Tehran: Behnami. (in Persian)

Ghorbanian, H., & Haratiannejadi, M. (2007). The right of diseases and the role of governmental and private departments. *Medical Low Journal*, 1(2), 11-41. URL: http://ijmedicallaw.ir/article-1-662-fa.html. (in Persian)

Hallag, W. B. (1984). Was the gate of ijtihad closed? *International Journal of Middle Este Studies*. 16(1), 3-41.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Hoseyni Maragi, M. A. (1996). *Al-Anawin Al-Fiqhiyyah*. Qom: Islamic Publications Office

Jafari-Langroudi, M. J. (2019). *Inteuduction to Law*. Tehran: Gang-e-Danesh. (in Persian)

Jafari-Langroudi, M. J. (2016). *Mabsoot Dictionary Terms of Law*. Tehran: Gang-e-Danesh. (in Persian)

Kulani, M. (1986). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyeh.

Lotfi, A. (2008). *The Rules of Civil Islamic Jurisprudence*, Tehran: Samt. (in Persian)

Makarem Shirazi, N. (1990). *Fiqh Rules*. Qom: Imam Amir Al-Mominin School. (in Persian)

Marjani, S. A., Zarei, A., & Bayat, B. (2022). Identifying the factors and components affecting voluntary activities in Iranian libraries and presenting a proposed model, *Library and Information Sciences*, 24(4), 5-30. doi: 10.30481/lis.2020.238107.1734. (in Persian)

Mohammady, A. (2018). *Rules of Islamic Law*. Tehran: Mizan. (in Persian)

Mohammady, A. (2011). *Principles for Inference of Islamic Law*. Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)

Mohaghegh Damad, S. M. (2018). *The Rules of Islamic Jurisprudence, Civil Section*, Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. (in Persian)

Movahhedi Lankarani, M. F. (1995). *Fiqh Rules*. Qom: Mehr.

Mousavi Bojunordi, S. H. (1998). *Fiqh Rules*. Qom: al-hadi.

Mousavi Bojunordi, S. M. (2017). *The Rules of Jurisprudence*. Tehran: Majd. (in Persian)

Naragi, A. (1996). *Avaid al-Ayyam*. Qom: Islamic Publications Office.

Nobahar, R. (2016). *Usul al-figh, Linguistic Discussions and Maxims of the Interpretation of Texts*. Tehran: Mizan. (in Persian)

Qommi, M. (1992). *Man La YAhduruhu al-Fagih*. Qom: Islamic Publications Office.

Ramazani Ghavamabadi, M. H. (2015). Comparative study of the legal status of NGOs in Iran and France: from the establishment to work. *Comparative Law Review*, 6(2), 541-567. doi: 10.22059/jcl.2015.55775. (in Persian)

Rouhani Yazdali, M. (2021). The role of semens in the marriage of citizenship rights. *Civil Rights Studies*, 24, 218-189. (in Persian)

Shahabi Khorasani, M. (2019). *The Rules of Figh*. Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)

Shayegan, S. A. (1996). *Civil Law*. Qazvin: Taha. (in Persian)

Shiravi, A. (2019). *Introduction to Law*. Tehran: Mizan. (in Persian)

Smith, J. D. (2001). Voluntary activities, future capital. *Payam -e- UNESCO*. 32(372), 20-21. (in Persian)

Tusi. M. (1986). *Tahdhib al-Ahkam*. Qom: Islamic Publications Office.

Vahedi, G. (2012). *An Introduction to Law*. Tehran: Mizan. (in Persian)

Walters, W. (2002). "Social capital and political sociology: re-imagining politics?". *Sociology*, 36(2), 377-397.

Zeraat, A., & Moein, M. (2019). *An Introduction to Law*. Tehran: Gangal. (in Persian)

Zeraat, A., & Moein, M. (2006). *Basics of Jurisprudence and Law Inference*. Qom: Islamic Law. (in Persian)

Zeraat, A., & Moein, M. (2019). *An Introduction to Law*. Tehran: Gangal. (in Persian)

Archive of SID.ir